

قزلباش متأخر

افشارها در اورمیه از قرن ۱۷ تا ۱۹*

** O دکتر نوبوآکی کندو

ترجمه: حوری سادات پروین فر

مقدمه:

هدف این مقاله گردآوری اطلاعاتی درباره تغییرات تاریخی یک قبیله ترک به نام افشارها در اورمیه - آذربایجان غربی - از قرن ۱۷ تا ۱۹ است. افشارها در تاریخ ایران از دو جهت حائز اهمیت بودند. یکی به دلیل تأثیر آنها در اتحاد قبیله‌ای قزلباش بود که این موضوع باعث پیشرفت صفویه شد و دلیل دیگر اینکه، آنان به عنوان بنیانگذار سلسله افشاریه به حساب می‌آمدند، گروه‌هایی از آنان نیز در اورمیه نقش قابل توجهی را در جنگ‌های داخلی قرن ۱۸ برعهده داشتند.

محققان تلاش‌های بسیاری را برای نشان دادن نقش سیاسی - نظامی قزلباش در اوایل دوره صفویه انجام داده‌اند.^۱ با این وجود تحقیقات اندکی درباره موقعیت آنان در اواخر دوره صفویه انجام شده است. اخیراً کاترین بابایان دلائلی مطرح کرده است. مبنی بر اینکه در نتیجه استقرار سیاست شاه عباس (حکومت ۱۶۲۹-۱۵۸۷)، قزلباش قدرت و هم‌بستگی سیاسی و معنوی خود را از دست داد.^۲ اما پس از آن ما اطلاعات مختصری درباره موقعیت واقعی آنها در دست داریم. بیش از بیست سال پیش، آن لمبتون خاطرنشان کرد که سقوط صفویه تجدید حیات قبیله‌ها، مانند افشارها و قاجارها را در قرن ۱۸ سبب شد.^۳ اما دلایل و چگونگی این تجدید حیات هرگز بیان نشده است.^۴ علاوه بر این اگرچه کارهای بسیاری در تاریخ قبیله‌ها انجام شده،^۵

ولی درباره تاریخچه حکمرانی چنین قبایلی منظور همان‌هایی که قزلباش را شکل دادند بیشتر از این بحث نشده است.

در اینجا می‌خواهم تاریخ افشارها در اورمیه از طوایف قزلباش را به عنوان یک مبحث مطالعاتی به طور کامل بررسی کنم.

ب - نیکیتین، مقاله‌ای درباره تاریخ آنان نوشته است و علی دهقان در کتاب خود تحت عنوان تاریخ اورمیه در مورد آنها صحبت کرده است، با این وجود، تحقیقات آنها فقط خلاصه‌ای از تاریخ افشارها را در اختیار ما می‌گذارد.^۶

منبع اصلی تحقیقات موجود، تاریخ افشار است که در حدود سال‌های ۶۹-۱۸۶۸/۱۲۸۵ توسط میرزا رشید ادیب الشعرا به دستور حاکم اورمیه، یوسف خان شجاع‌الدوله که هر دو افشار بودند نوشته شده است.^۷ با وجود اینکه آن کتاب تمام جزئیات تاریخ افشارها و حکومت اورمیه را شرح داده است ولی تعداد معدودی از محققان امروزی از آن استفاده کرده‌اند. البته از زمانی که احتمال دادند ممکن است بخشی از کتاب تا حدی دور از واقعیت باشد و ضرورت مقایسه آن با منابع موجود دیگر مطرح شد، منابعی همچون تاریخچه صفویه‌ها، افشارها، زندها و قاجارها بعلاوه گزارش سفر اولیا چلی و اروپایی‌هایی که از آن سرزمین بازدید کردند.

افشار به طور کلی به عنوان یک گروه با بخش‌های مجزا در نظر گرفته شده است و این احتمالاً از واژه‌های به کار رفته در منابع استنباط

تاریخ افشار

بقلم

میرزا رشید ادیب الشعرا

بگوشن

معهود رامپان - برروز شیرپاد افشار

از انتشارات شورای مرکزی ملی ۲۰۰۰ ساله شاهنشاهی ایران

کتابخانه ملی ایران - تهران - ۱۳۸۵
چاپ و انتشارات: نشر افشار



می‌شود. در تاریخ افشار از دو عبارت که اشاره به گروه‌های قبیله‌ای دارد استفاده شده است:

نخست عبارت ایل است که در سرگذشت افشارها فقط هنگامی استفاده شده که از آنها به طور کلی صحبت می‌شود (مثال ایل افشار)؛ عبارت دیگر طایفه است، این عبارت زمانی به کار رفته است که افشارها را به گروه‌های فرعی تفکیک می‌کنند. اغلب اسامی اشخاص با نام طایفه همراه است برای مثال «کلب علی خان افشار ایمانلو» این واژه عضویت این فرد را در طایفه ایمانلو از ایل افشارها نشان می‌دهد.^۱

۱- مهاجرت افشار به

اورمیه:

بر طبق بخشی از معاهده قزلباش، در اوایل دوره صفویه افشارها بسیاری از اشخاص مثل قورچی‌باشی و حاکم کرمان را در همان سمت‌های بالا نگاه داشتند. اما در زمان

حکومت شاه عباس در نتیجه اصلاحات حکومتی^۲ آنها به تدریج از آن موقعیتها برکنار شدند.

براساس تاریخ افشار، افشارها در حدود سال‌های ۱۶۲۵-۱۰۳۵ هـ به انتهای قلمرو شاه عباس در اورمیه، مهاجرت کردند. هنگامی که کلب علی سلطان، رهبر افشارها نهایت تلاش خود را در دفاع از بغداد برعلیه عثمانی به کار گرفته، شاه به او عنوان خان را اعطا کرد و استان اورمیه را به عنوان یک اقطاع (زمین محول شده) به او بخشید. در آن زمان ۸ هزار خانواده افشار از عراق عجم (مرکز ایران)، فارس، کرمان و کازرون به اورمیه مهاجرت کردند.^۳

منابع معاصر بعضی از این مطالب را تأیید کرده‌اند. در تاریخ عالم‌آرای عباسی، ما با توضیحاتی در مورد شغل کلب علی سلطان در بغداد برخورد می‌کنیم. همچنین با رجوع به فهرست دفتردارها نام او را به عنوان حاکم اورمیه در طول حکومت شاه عباس می‌بینیم.^۴ با استناد به تنها منبع به جای مانده، کلب علی سلطان رهبر کل افشارها نبوده بلکه او فقط رهبر یکی از گروه‌های فرعی افشارها به نام ایمانلو بوده است. بر طبق تاریخ عباسی پدر کلب علی سلطان،

شاید انگیزه شاه عباس در استقرار مجدد افشارها از روی سیاست کلی او نسبت به قزلباش فهمیده شود. او به منظور تأسیس یک حکومت مرکزی، قزلباش را از دربار جدا کرد و آنها را مجبور کرد به سوی نواحی مرزی حرکت و یک خط دفاعی فراهم کنند. در آن زمان اورمیه که در مرز عثمانی بود، هنوز به خاطر حضور گروه‌های قبیله‌ای کرد اوضاع مغشوشی داشت.^۵

برطبق تاریخچه صفویه، کلب علی و برادرش به حکمرانی قراه در افغانستان کنونی^۶ منصوب شدند اگرچه تاریخ افشار آن را ذکر نکرده است، و این نشان می‌دهد که حوزه قدرت آنها در طول این مدت به ولایت اورمیه محدود نبوده است.

۲- افشارها در اورمیه:

کلب علی خان که اولین حاکم افشارها در اورمیه، بود به عنوان مثال اقامتگاهش توپراک قلعه، ۱۸/۱ را در ۱۰۶ کیلومتری شمال شهر اورمیه انتخاب کرد.^۷ اولیا چلبی در سال ۱۶۵۵ از این استان دیدن کرد و در آنجا دومین حکمران افشار، گنج علی خان را ملاقات کرد.^۸ به گفته او توپراک قلعه یک قلعه نظامی واقعی بود که ۳۱۰ توپ و ۴۰۰۰ سرباز داشت و دارای یک مسجد بود که بنای آن به غازان خان ایلخان نسبت داده می‌شد. اما این قلعه فاقد وسایل رفاهی و تجارتنی از قبیل کاروانسرا یا حمام بود. قلعه فقط یک در ورودی داشت که در سمت غربی آن قرار گرفته بود. هیچ ساختمانی خارج از قلعه نظامی وجود نداشت.^۹ بر طبق تاریخ افشار، فرماندهان افشار پس از مهاجرتشان، باغ‌ها و ساختمان‌هایی را در شهر اورمیه بنا کردند، اما جزئیات بیشتری در این مورد در دست نداریم. از طرف دیگر، اولیا چلبی این طور ثبت کرده که ساختمان‌هایی را برای یک «پاشا»، یک کلاتر یک داروغه و یک شیخ در نظر گرفته بودند که هیچ یک از این افراد ظاهراً افشار نبودند.^{۱۰} اینطور به نظر می‌رسد که آنها مجبور بودند برای دفاع از مرزها به اورمیه مهاجرت کنند و رابطه آنها با جامعه شهری در

یعنی کاظم سلطان حاکم سیمره بوده که شهر کوچکی در خوزستان است.^{۱۱} کاظم سلطان هنگامی که در سالهای ۲۳-۶۲۲ در دفاع از موصل شرکت کرد فقط توسط سبید سرباز همراهی می‌شد.^{۱۲} بنابراین می‌توان این طور نتیجه گرفت که برخلاف آنچه که در تاریخ افشار ذکر شده است کلب علی سلطان و پدرش رهبر تمام قبیله افشار نبودند. از این رو این مسئله که تعداد بیشتری از افشارها با او به اورمیه مهاجرت کرده‌اند باید صحت داشته باشد، بدین جهت تا قرن ۱۹، اورمیه بزرگترین منطقه مهاجرنشین افشارها در ایران محسوب می‌شود.^{۱۳}

افشارها مسئولیت حکومت بر اورمیه را تقریباً برای یک قرن حفظ کردند. جدول شماره یک حاکی از این است که در طول سال‌های ۱۷۲۲-۱۶۲۴ از دوازده حاکم، یازده نفر آنها از افشارها بودند. در اوایل قرن ۱۸ براساس مطالب کتاب تذکره‌الملوک که شامل مسائل اجرایی صفویه بود، حاکم اورمیه به طور همزمان حاکم افشارها هم بود: (حاکم آلکای اورمیه و ایل افشار).^{۱۴} در آن زمان حاکم درآمدی در حدود ۷/۵۰۰ تومان و ارتشی متشکل از دو هزار سرباز داشت.^{۱۵}

در تاریخ افشار از دو عبارت که اشاره به گروه‌های قبیله‌ای دارند، استفاده شده است. نخست عبارت ایل است که در سرگذشت افشارها فقط هنگامی استفاده شده که از آنها به طور کلی صحبت می‌شود (مثال ایل افشار)؛ عبارت دیگر، طایفه است، این عبارت، زمانی به کار رفته است که افشارها را به گروه‌های فرعی تفکیک می‌کنند. اغلب اسامی اشخاص با نام طایفه همراه است برای مثال «کلب علی خان افشار ایمانلو» این واژه، عضویت این فرد را در طایفه ایمانلو از ایل افشارها نشان می‌دهد

جدول شماره ۱: اسامی فرمانروایان اورمیه در دوره صفویه

یادداشتها	منابع	اصالت	فرمانروا	پادشاه	تاریخ
۱۶۲۷/۸(AN) برکنار شده در سال	تاریخ افشار، نیکیتین، دهقان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، خلاصه السیر، ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی، قصص الخاقانی، عباس‌نامه	افشار - ایمانلو	کلب علی خان	عباس	۲۵ - ۱۶۲۴/۱۰۳۵
برکنار شد در سال ۱۶۵۶/۷	تاریخ افشار، نیکیتین، دهقان	افشار - ایمانلو	گنج علی خان	صفی	۳۴ - ۱۶۲۳/۱۰۴۳
-	تاریخ افشار، نیکیتین، دهقان	افشار، ایمانلو	محمد عیسی خان	عباس دوم	؟
-	عباس‌نامه	افشار، ایمانلو؟	محمد علی خان	عباس دوم	؟
-	تاریخ افشار	افشار، ایمانلو	شاهوردی خان	عباس دوم	؟
دومین دور از حکومت گنج علی خان در نیکیتین	تاریخ افشار، دهقان	افشار، ایمانلو	گنج علی خان دوم	عباس دوم	؟
-	دهقان	افشار، ایمانلو؟	محمد عیسی خان دوم	؟	؟
-	تاریخ افشار، دهقان	مهاجر از گروه عثمانی‌ها	سیلسپورخان جلالی	؟	۱۶۵۶/۱۰۷۷
-	تاریخ افشار، دهقان، نیکیتین	افشار	امام وردی خان	سلیمان	۷۸ - ۱۶۷۷/۱۰۸۸
-	تاریخ افشار، دهقان، نیکیتین	افشار، ایمانلو	فضل علی خان	سلیمان	؟
-	تاریخ افشار، نیکیتین	افشار	سبحان وردی خان	سلیمان	؟
-	بقعه ایوب انصاری، دستور شهریاران	؟	جانی خان	سلیمان	؟
-	دستور شهریاران	شاملو	آق زیورخان	سلطان حسین	۱۶۹۵/۱۱۰۶
-	دستور شهریاران	؟	فضل علی خان	سلطان حسین	۱۶۹۶/۱۱۰۷
-	تاریخ افشار، دهقان، نیکیتین	افشار، قاسملو*	خدادادخان	سلطان حسین	۸ - ۱۷۰۷/۱۱۱۹
-	تاریخ افشار، دهقان، نیکیتین القاب و مواجب	افشار، قاسملو*	محمد قاسم خان	سلطان حسین	۱۷۲۲/۱۱۳۴

* از خانواده خدادادخان جدا شده است.

منابع:

میرزا علی نقی ناصری: القاب و مواجیب؛ محمد طاهر وحید قزوینی: عباس‌نامه؛ حسن‌گرگانی: کتاب بقعه ایوب انصاری؛ محمد ابراهیم نصیری: دستور شهریاران؛ به تصحیح محمد نادر نصیری مقدم، تهران، ۱۳۷۳ شمسی؛ محمد معصوم اصفهانی: خلاصه السیر، تهران، ۱۳۶۸ شمسی؛ ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی؛ اسکندریبک منشی: تاریخ عالم‌آرای عباسی؛ اسکندریبک منشی: ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح سهیل خوانساری، تهران، ۱۳۱۷ شمسی.

**بعضی از منابع افشاریه،
اصرار بر این دارند که
افشارهای خراسان،
کسانی هستند که
سلسله افشاریه را
به وجود آوردند و با
افشارهای ارومیه،
یک ریشه مشترک دارند...**

**از نظر ایدئولوژی،
افشارهای خراسانی و ارومیه،
گذشته‌ای مشترک داشتند،
اما آنها از نظر سیاسی
کاملاً مجزا بودند**

ابتدا کاملاً محدود بود.

منبع معاصر دیگر در مورد افشارها در دوره صفویه مجموعه‌ای از مدارک مربوط به زیارتگاه ایوب انصاری (در منطقه‌ای نزدیک مراغه) است.^{۳۳} از سند شماره ۲ این مجموعه (فرمانی از شاه سلیمان ۱۱۰۳/۱۶۹۲) اینطور استنباط می‌شود که برای تعیین مالک یا فرماندار ساروغورکان به یک سند (محضری) با امضا و مهر و موم حاکم ارومیه احتیاج بوده است.^{۳۴} مدارک ۴ تا ۸ این مجموعه مربوط به برخورد بین مجریان وقف (متولیان) و تیولداران است که در اینجا ظاهراً اشاره به افشارها دارد که توضیح اینها تنها به دادخواست‌های موجود در مدارک محدود شده است.

بر طبق سند شماره ۵ (شاه سلطان حسین با یک دادخواست از متولی به تاریخ ۱۱۰۶/۱۶۹۴) اخیراً اینطور گزارش شده که افشارها زمین‌های وقفی را مورد تاخت و تاز قرار دادند، چهار نفر را زخمی کردند، زمین‌های زراعی را اشغال کردند و به طور غافلگیرکننده و سریع گوسفندها، گاوها و سوزبرگ‌ها را بردند.^{۳۵} مجریان وقف چندین بار از

شاه درخواست کردند که برای این موضوع، نه به حاکم افشارها، بلکه به فرماندار گروس و فرماندار کل اردلان رجوع کند. با وجود این، پاسخ ملوکانه این درخواست را رد کرد در نتیجه این کشمکش در سال ۱۱۱۴/۱۷۰۳ منجر به ترک فرمانداران از سرزمین خود شده و آنها به سمت اردلان حرکت کردند.^{۳۶} طبق سند شماره ۸ (فرمانی بدون تاریخ از شاه سلطان حسین) مشخص شده است. برای افشارها هیچ حقی مبنی بر اینکه بتوانند سرزمینهای وقفی را اشغال کنند، وجود ندارد.^{۳۷} و برای حاکمان آوردن دلیل قانع‌کننده برای اینگونه اعمال خود آسان نبود. سرانجام به واسطه چنین اقدام‌هایی بود که حاکمان افشار زمین‌ها را تصرف کردند و به مالکان بزرگ منطقه تبدیل شدند.

II. افشارها در قرن ۱۸

۱. تاریخ سیاسی:

افشارها حتی پس از سقوط صفویه نیز حکومت ارومیه را از دست ندادند. جدول شماره ۲ نشان می‌دهد چطور افشارها با وجود تغییرات متعدد حکومتی که در سرتاسر ارومیه روی داد، باز هم بر جای خود باقی ماندند و چطور حکومت را اداره کردند. با این وجود بعد از سال ۸-۱۷۰۷/۱۱۱۹ بیشتر حاکمان افشار در ارومیه به خدادادخان از خاندان قاسم‌تعلق داشتند. (به جدول شماره ۲ رجوع شود).

منابع مربوط به عثمانی‌ها این طور بیان می‌کند که افشارها در سال ۱۷۳۰ در برابر هجوم عثمانی‌ها مقاومت نکردند و بنابراین موقعیت خود را در مدت کوتاه حکومت عثمانی‌ها حفظ کردند.^{۳۸} آنها نسبت به خاندان صفویه به شدت بی‌وفایی کردند که این موضوع نیز در زمان‌های آغازین حکومت صفویه توسط قزلباش در مقابله با هجوم عثمانی نشان داده شده است.

وابستگی کامل با افشاریه‌ها نیز پیچیده است. بعضی از منابع افشاریه اصرار بر این دارند که افشارهای خراسان، کسانی هستند که سلسله افشاریه را به وجود آوردند و با افشارهای ارومیه یک ریشه مشترک دارند.^{۳۹} بر طبق عالم آرای نادری، طهماسب قلی خان (نادرشاه آینده) در سال ۱۷۳۰ در اولین لشکر کشی خود به کشور عثمانی، به افشارهای ارومیه پناه برد، در

سرزمینی که با آنها ریشه مشترک داشت. در نتیجه، بیستون خان، رئیس (سرکرده) افشارهای ارومیه، با ۵۰۰۰-۴۰۰۰ سرباز به نادر ملحق شد، و فرماندار عثمانی را از حکومت ارومیه برکنار کرد و آن را به نادر تحویل داد.^{۴۰} در زمان سلسله افشاریه، افشارهای ارومیه علاوه بر حکومت کاشان و شیروان مقام سرکشیکچی‌باشی (رئیس گارد سلطنتی) را نیز به عهده گرفتند.^{۴۱} واقعیت امر این است که نادر تعدادی از افشارهای ارومیه را به قلعه نظامی خود در شمال خراسان منتقل کرده بود و به آنها پیشنهاد روابط صمیمانه و تاج و تخت داده بود.^{۴۲}

به هرحال اختلاف‌هایی نیز بین آنها وجود داشت. برای مثال، بیستون خان به علت اینکه در هنگام رویه‌رو شدن با نادر به خدمت طهماسب دوم پادشاه صفویه درآمده بود، کشته شد.^{۴۳} نادر همچنین هجده امیر برجسته افشارهای ارومیه را کور کرد.^{۴۴} به همین دلیل ما در میان قاتلان نادر افشارهای ارومیه را نیز می‌بینیم.^{۴۵} از نظر ایدئولوژی، افشارهای خراسانی و ارومیه گذشته‌ای مشترک داشتند اما آنها از نظر سیاسی کاملاً بیگانه بودند.

در حوادث بعدی پس از مرگ نادر در سال ۱۷۴۷ افشارهای ارومیه نقش بسیار مهمی در کُشت و کشتارهایی که در جنگ‌ها رخ داد، ایفا کردند. مهدی خان، فتحعلی خان، و امام‌قلی خان نه تنها بر ارومیه حکومت کردند بلکه در سرتاسر آذربایجان (جنوب ارس) نفوذ سیاسی داشتند.^{۴۶} افشارهای ارومیه در برابر آزادخان افغان که خود را در سال ۱۷۵۴ فرمانروای ایران اعلام کرده بود، نیروهای جنگی آماده کردند.^{۴۷} زندها و قاجارها در مطیع ساختن افشارهای ارومیه موفق شدند، اما قادر به برکناری آنها از حکومت بر ارومیه نبودند. حتی زمانی که علی مرادخان سپاهی به طرف ارومیه روانه ساخت و امام قلی خان را در جنگ کشت، حاکم منصوب شده زندها چند ماه بعد در اثر شورش افشارها برکنار شد و برادر امام قلی خان، محمدقلی خان با توافق فرمانداران افشارهای ارومیه، به فرمانروایی رسید.^{۴۸}

۲. حمایت نظامی و غیرنظامی:

چگونه افشارهای ارومیه با قدرت سیاسی خود کم و بیش بدون عیب و نقص قادر به ادامه

هیچ یک از گروه‌های قبیله‌ای قزلباش، مثل مقدم‌ها در مراغه، فرمانروایی را از زمان صفویه تا اواخر قرن ۱۹ در دست نداشتند

افشارها، مثل بسیاری از گروه‌های قبیله‌ای دیگر، خودشان را وارد بخش‌های ضروری طرح‌نوسازی ارتش قاجار کردند که این کار با شکل گرفتن هنگ‌های قبیله‌ای صورت گرفت.

جدول شماره ۲: اسامی فرمانروایان اورمیه در طی سال‌های ۱۷۸۹ - ۱۷۲۳

منابع	اصالت	فرمانروا	پادشاه	تاریخ
تاریخ افشار، دهقان	—	یوسف پاشا	عثمانی‌ها	۱۱۳۸/۱۷۲۵
عالم‌آرای نادری	—	فرخ پاشا	عثمانی‌ها	؟
تاریخ افشار، دهقان، عالم‌آرای نادری Tarih-i samive sakiv vesubhi	افشار (ارومیه)	یاروخان	طهماسب قلی‌خان	۱۱۴۳/۱۷۳۰
تاریخ افشار، دهقان، جهانگشای نادری	افشار / پاپالو (خراسان)	آشورخان	طهماسب قلی‌خان	۱۱۴۷/۱۷۳۴
دهقان	افشار / قیرقلو (خراسان)	بکتاش خان	طهماسب قلی‌خان	؟
تاریخ افشار «Mon histoire et celle de nadir, chah des perse»	افشار قاسملو*	محمدعیسی‌خان	طهماسب قلی‌خان	۱۱۴۸/۱۷۳۵ - ۶
عالم‌آرای نادری	افشار	محمد قاسم‌خان	طهماسب قلی‌خان	؟
تاریخ افشار، عالم‌آرای نادری، جهانگشای نادری	افشار، قاسملو	محمدکریم خان	نادرشاه	۱۱۴۹/۱۷۳۶
تاریخ افشار، دهقان،	افشار، آرشلو	فتح‌علی خان	نادرشاه	۱۱۵۸/۱۷۴۵ - ۶
تاریخ افشار، دهقان،	افشار، قاسملو	مهدی‌خان	—	C ۱۱۶۰/۱۱۴۷
دهقان،	افشار، آرشلو	فتح‌علی خان	مهدی‌خان افشار	؟
تاریخ افشار، دهقان، تجربه‌الاحرار	افشار، قاسملو	نقی‌خان	مهدی‌خان افشار	؟
تاریخ افشار، دهقان، تاریخ‌گیتی‌گشا، گلشن مراد، مجم‌التواریخ	افغان	آزادخان	—	C ۱۱۶۴/۱۷۵۰
تاریخ افشار، دهقان، تاریخ‌گیتی‌گشا، گلشن مراد، تجربه‌الاحرار	افشار، آرشلو	فتح‌علی خان	—	۱۱۷۲/۱۷۵۹
تاریخ افشار، دهقان،	افشار، قاسملو	رستم‌خان	کریم‌خان زند	۱۱۷۶/۱۷۶۳
تاریخ افشار، دهقان، تجربه‌الاحرار	*افشار، قاسملو	رضا قلی‌خان	کریم‌خان زند	۱۱۸۲/۱۷۶۸ - ۹
تاریخ افشار، دهقان، تجربه‌الاحرار	*افشار، قاسملو	امام قلی‌خان	کریم‌خان زند	۱۱۸۶/۱۷۷۲ - ۳
تاریخ افشار، دهقان، تجربه‌الاحرار	سائین قلعه	امیراصلان خان	علی مرادخان زند	۱۱۹۷/۱۷۸۳
تاریخ افشار، دهقان، تجربه‌الاحرار تاریخ‌گیتی‌گشا، تاریخ محمدی، روضة‌الصفای ناصری	*افشار، قاسملو	محمد قلی‌خان	—	۱۱۹۸/۱۷۸۴

منابع:

محمد کاظم: عالم‌آرای نادری؛ میرزا محمد صادق نامی: تاریخ‌گیتی‌گشا، تهران، سال ۱۳۶۳ شمسی؛ ابوالحسن غفاری کاشانی: گلشن مراد؛ میرزا مهدی‌خان: جهانگشای نادری؛ ابوالحسن گلستانه: مجم‌التواریخ؛ رضا قلی‌خان هدایت: روضة‌الصفای ناصری، تهران، ۱۳۳۹ شمسی؛ محمدفتح‌الله ساروی: تاریخ محمدی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، ۱۳۷۱ شمسی؛ Abraham de crete: Mon histoire et celle de nadir, chahdes perse در M.F. Brosset ترجمه شده به نام Collection d'historiens Armeniens پترزبورگ، سال ۱۸۷۶، تجدید چاپ شده در آمستردام، سال ۹۷۹؛ مصطفی سمیع: Tarih - isami uc sakir ve subhi استانبول، سال ۱۱۹۸؛ عبدالرزاق بیگ مفتون: تجربه‌الاحرار.

براساس تاریخ افشار،

افشارها در حدود

سال‌های ۱۶۲۵ - ۱۰۳۵،

به مرزهای قلمرو شاه عباس

در اورمیه مهاجرت کردند.

هنگامی که «کلب علی سلطان»

رهبر افشارها نهایت تلاش

خود را در دفاع از بغداد بر علیه

عثمانی به کار گرفت،

شاه به او عنوان خان را

اعطا کرد و ملک اورمیه را

به عنوان اقطاع

به او بخشید. در آن زمان،

هشت هزار خانواده افشار

از عراق عجم - مرکز ایران -

فارس، کرمان و کازرون

به اورمیه

مهاجرت کردند

جنگ‌های غیرنظامی بودند؟ ابتدا ما باید قدرت نظامی آنها را بررسی کنیم. باتوجه به جمعیت قبیله‌ها در جدول شماره ۴ و ۵ می‌بینیم که جمعیت افشارهای اورمیه هم از شهر اورمیه و هم از گروه‌های قبیله‌ای دیگر در آذربایجان بیشتر بود.

براساس فهرست تاریخ افشار، سه گروه فرعی از فرماندهان نظامی افشار وجود داشتند: "الف - گروه‌های فرعی که به نظر می‌رسد با کلب علی خان به اورمیه مهاجرت کرده بودند و شامل، قاسملو، گاندوزلو، قیریقلو، آراشلو و ایمانلو" بودند، که گاندازلو، آراشلو و ایمانلو از منابع موجود درباره صفویه بدست آمده است."

ب - گروه‌های فرعی دیگر که از افشارها نیستند و در ستون دیگر به استاجلو، و خلج شهرت دارند. گروه استاجلو مانند افشارهای قزلباش بودند و گروه خلج نیز به خاطر زبان منحصر به فردشان شهرت داشتند، این گروه‌های فرعی احتمالاً بعد از مهاجرت، به افشارها ملحق شدند.

ج - این گروه‌های فرعی که اصالت آنها ناشناخته است شامل: قره حسن لو، قُربانلو، یوقانلو

و کتُلو می‌باشند چنین به نظر می‌رسد که این گروه‌های فرعی پس از مهاجرت به افشارها پیوسته باشند و یا اینکه از گروه‌های فرعی الف و ب جدا شده‌اند.

این گروه‌های فرعی علاوه بر سیاست، سپاه و گروه‌های مسلح را نیز در افشار شکل دادند. هر گروه فرعی یک یا دو رئیس (ریش سفید) داشت. احتمالاً در زمان جنگ اینها فرماندهان نظامی گروه‌های مسلح قبایل بودند و سربازان خود را از میان گروه‌های فرعی مربوط به خود استخدام می‌کردند.

علاوه بر این، فرماندهان افشار می‌توانستند سپاهی از قبایل غیرافشار تشکیل دهند، که در زمان جنگ «قبایل مناطق مرزی» (عشایر سرحدات) نامیده می‌شدند. اینها شامل قبایل کرد از جمله مَکری، با لباس، شکاک و زازا بودند که نزدیک اورمیه زندگی می‌کردند. حتی در قرن ۱۹ نیز جهانگیر میرزا در این باره چنین نوشت:

«در آن زمان خوانین افشار هر یک محالی از محالات اکراد و ریش سفیدان آن محالات را به خود مایل ساخته بودند و خود در دیوان اورمیه وکالت آنها را می‌نمودند و هرکدام به این جهت حاکم اورمیه را هم از محالات اکراد و هم از ولایت افشار بی‌تسلط کرده بودند به این معنی که هر وقت حاکم ولایت برخلاف رأی خوانین افشار حرفی می‌زد یا مطالبه تنخواه دیوان را می‌نمود حضرات خوانین افشار محالات را شورانیده بلکه اکراد بد نهاد را به تاخت و تاز شهر و محالات و به قطع طرق تحریض می‌کردند.»^{۲۲} ایلیاتی‌های جدید دائماً می‌آمدند و به افشارها ملحق می‌شدند، و قبایل کُردی آنها را از طریق شبکه‌های محلی حمایت می‌کردند.

تاریخ افشار شامل اطلاعات کاملی درباره حکومت محلی اورمیه تحت حکومت افشار است. بنابر جدول شماره ۶، که شامل فهرستی از دفترداران محلی است ما می‌توانیم به این نتیجه برسیم که بیشتر دفترها توسط افشارها یا هم‌پیمانان آنها اشغال شده بود. افشارها نه تنها مقام‌های نظامی مثل امیر آخور (سرپرست اصطبل سلطنتی)، بلکه مقام‌های غیرنظامی از قبیل وکیل (سرپرست اداره مالی)، ناظر (سرپرست مستخدمان خانه)، مستوفی (مأمور مالی) و مقام‌های مذهبی مثل امام جماعت (امام

نماز جمعه) را نیز عهده‌دار شده بودند.

اگرچه در جدول نشان داده نشده است، اما تعدادی از سمت‌ها ارثی بودند. برای مثال، مقام وکالت برای یک قرن توسط میرزا جعفر از گروه فرعی ایمانلو، سپس پسرش میرزا ابوالحسن و بعد دو نوه پسر او میرزا محمدنبنی و میرزا عبدالله اداره می‌شد. میرزا جعفر همزمان با کار وکالت ریش سفید گروه فرعی ایمانلو هم بود.^{۲۳} این موضوع حائز اهمیت است که به خاطر داشته باشیم دو پسر دیگر او اصغرخان و عبدالصمد خان از فرماندهان نظامی بودند.

خانواده قاضی موسی الرضا افشار سمت قاضی و امام جماعت را برای چندین نسل به عهده داشتند.^{۲۴} پسر او ملامحمدحسین و دو نوه پسر او موفق به داشتن سمت امام جماعت شدند. مدرس طباطبایی مدارکی مبنی بر مقدار دستمزد ملاموسی الرضا، نوه پسر قاضی موسی الرضا افشار تنظیم و چاپ کرده است. اینطور که شواهد امر نشان می‌دهد بعد از آنها، بیشتر اعضا خانواده‌شان از علما شدند.^{۲۵} برخلاف تصور عامه، نظر به اینکه قبایل از دانش امروزی با خبر نیستند بسیاری از افشارها که در شهر زندگی می‌کردند و در حکومت محلی مشغول به کار بودند، از تحصیلات عالی با توانمندی‌های مالی و مذهبی و دانش حقوقی برخوردار بودند.

نکته قابل توجه دیگر تغییر در روش و رفتار افشارها نسبت به جامعه محلی و ساختمان‌های عمومی آن بود. در طی قرن ۱۸ حاکمان افشار توپراک قلعه را ترک نمودند و ساختمان‌های حکومتی را به شهر اورمیه منتقل کردند. ساختمان حکومتی رستم خان (دیوان خانه حکومتی) نزدیک به میدان اصلی (میدان) و بازار بود. حسین قلی خان دومین دیوان خانه را در داخل شهر بنا کرد.^{۲۶} این تغییر مکان به شهر حاکی از آن بود که حکومت بر اورمیه نزد افشارها به نسبت دفاع از مرزهای عثمانی از اهمیت بیشتری نزد آنها برخوردار بود.

برخلاف دوره صفویه، طی قرن ۱۸، حاکمان افشار بسیاری از ساختمان‌های عمومی از قبیل مساجد، بازارها و حسینیه‌ها را ساختند و مرمت کردند.^{۲۷} و هرکسی با خود این تصور را می‌کند که رابطه حاکمان با جامعه محلی با این اقدامات بیشتر شده است.

هدف این مقاله، گردآوری اطلاعاتی درباره تغییرات تاریخی یک قبیله ترک به نام افشارها در ارومیه - آذربایجان غربی - از قرن ۱۷ تا ۱۹ م. است

تاریخ افشار، شامل اطلاعات کاملی درباره حکومت محلی ارومیه، تحت حکومت افشار است

جدول شماره ۳: حاکمان ارومیه در دوره قاجارها

منابع	اصالت	فرمانروا	پادشاه	تاریخ
تاریخ افشار، تاریخ گیتی گشا	افشار / قاسملو*	قاسم خان	آقا محمدخان	۱۲۰۵/۱۷۹۰ - ۱
تاریخ افشار، روضه‌الصفای ناصری، ناسخ‌التواریخ	افشار / قاسملو*	محمد قلی خان	آقا محمدخان	۱۲۰۷/۱۷۹۲ - ۳
تاریخ افشار، روضه‌الصفای ناصری، ناسخ‌التواریخ	افشار / قاسملو*	حسین قلی خان	فتح علی شاه	۱۲۱۲/۱۲۹۸
تاریخ افشار	افشار / قاسملو*	نجف قلی خان	عباس میرزا	۱۲۳۶/۱۸۲۰ - ۱
تاریخ افشار، منشآت، اکسیرالتواریخ	شاه قاجار*	ملک قاسم میرزا	عباس میرزا	۱۲۳۹/۱۸۲۳ - ۴
تاریخ افشار، تاریخ نو	قاجار	ابراهیم خان سردار	عباس میرزا	۱۲۴۴/۱۸۲۸
تاریخ افشار، تاریخ نو	شاه قاجار	جهانگیر میرزا	عباس میرزا	۱۲۴۸/۱۸۳۲
ناسخ‌التواریخ	شیرازی	حیدرعلی خان	محمدشاه	۱۲۵۰/۱۸۳۴
تاریخ افشار، اسناد	افشار، قاسملو	نجف قلی خان	محمدشاه	۱۲۵۰/۱۸۳۴ - ۵
تاریخ افشار، اکسیرالتواریخ	شاه قاجار	ملک قاسم میرزا	محمدشاه	۱۲۵۵/۱۸۳۹ - ۴۰
تاریخ افشار	کرد / چپهریقی	یحیی خان	محمدشاه	۱۲۶۰/۱۸۴۴
تاریخ افشار	شاه قاجار	محمد رحیم میرزا	محمدشاه	۱۲۶۴/۱۸۴۷ - ۸
تاریخ افشار، روضه‌الصفای ناصری، ناسخ‌التواریخ مرآت البلدان، منشآت قائم مقام	شاه قاجار	مصطفی قلی میرزا	ناصرالدین شاه	۱۲۶۷/۱۸۵۱
تاریخ افشار، مرآت البلدان، منشآت قائم مقام	قاجار	جان محمدخان	ناصرالدین شاه	۱۲۶۸/۱۸۵۲
تاریخ افشار، مرآت البلدان، منشآت قائم مقام	قاجار	محمد شریف خان	ناصرالدین شاه	۱۲۶۹/۱۸۵۳
روضه‌الصفای ناصری، مرآت البلدان	شاه قاجار	سلطان احمد میرزا	ناصرالدین شاه	۱۲۷۱/۱۸۵۵
تاریخ افشار	شاه قاجار	اکبر میرزا	ناصرالدین شاه	۱۲۷۲/۱۸۵۵ - ۶
تاریخ افشار، اسناد	شاه قاجار	نصرت‌الله میرزا	ناصرالدین شاه	۱۲۷۸/۱۸۶۱
تاریخ افشار، اسناد	قاجار	اسدالله خان	ناصرالدین شاه	۱۲۷۸/۱۸۶۱
تاریخ افشار، اسناد	شاه قاجار*	ملک منصور میرزا	ناصرالدین شاه	۱۲۷۹/۱۸۶۳
تاریخ افشار، مرآت البلدان، منشآت قائم مقام	شاه قاجار	سلطان احمد میرزا	ناصرالدین شاه	۱۲۸۳/۱۸۶۶
تاریخ افشار، مرآت البلدان، منشآت قائم مقام	افشار، قاسملو*	یوسف خان	ناصرالدین شاه	۱۲۸۵/۱۸۶۹
مرآت البلدان، منشآت قائم مقام	شاه قاجار	سلطان احمد میرزا	ناصرالدین شاه	۱۲۹۶/۱۸۷۹
دهقان	افشار، قاسملو*	امام قلی خان	؟	۱۲۹۷/۱۸۷۹ - ۸۰

* برگرفته از خانواده خدادادخان

منابع:

علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه: اکسیرالتواریخ، تصحیح جمشید کیانفر، تهران، سال ۱۳۷۰ شمسی؛ اعتمادالسلطنه: مرآت البلدان؛ اعتمادالسلطنه: تاریخ مستظم ناصری؛ میرزا محمد تقی خان سپهر: ناسخ‌التواریخ، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، سال ۱۳۵۳ شمسی؛ جهانگیر میرزا: تاریخ نو؛ منشآت قائم مقام: فراهانی: اسناد و احکام از خاندان افشارارومیه.

افشارها نه تنها مقام‌های نظامی مثل امیرآخور (سرپرست اصطبل سلطنتی)، بلکه مقام‌های غیرنظامی از قبیل وکیل (سرپرست اداره مالی)، ناظر (سرپرست مستخدمین خانه)، مستوفی (مامور مالی) و مقام‌های مذهبی مثل امامت جماعت را نیز عهده‌دار شده بودند

۱۱۱. افشارها در قرن ۱۹

۱. افشارهای اورمیه تحت تسلط قاجارها:
حکومت اورمیه در سال‌های ۴-۱۸۲۹/۱۲۳۹ هنوز در دست افشار بود (فهرست شماره ۳). اینطور بیان شده که قاجارها حکومت ضعیفی داشتند اما آنها حداقل در مورد حکومت بر اورمیه بیشتر از حکمرانان سلسله‌های قدیمی قادر به تحمیل خواسته‌هایشان بودند. از افشارها درخواست پرداخت پول شده بود و از آنها خواسته شده بود که سربازها را هنگام برگشت نزد حکومت قاجار بفرستند تا قاجارها تشخیص نهنداری آنها در حکومت را بدهد. برای مثال، محمدقلی خان به آقا محمدخان ۴۰۰۰ تومان و حسین قلی خان به فتح‌علی شاه ۸۰۰۰ تومان، در زمانی که هریک از اینها به فرمانداری منصوب شده بودند، پرداخت کردند.^{۴۸}

حکومت قاجار همچنین به تدریج تشکیلات جمع‌آوری مالیات را به وجود آورد، و خراج‌گذارها و جمع‌آوری‌کننده‌هایی را از تبریز به اورمیه فرستاد. زمانی که مالیات‌ها برای مردم اورمیه

سنگین شد، حاکمان افشار از طرف آنها نزد ولیعهد یا شاه پادرمیانی کردند. افشارها و شخصیت‌های برجسته شهر (اعیان) در سال‌های ۸-۱۸۰۷/۱۲۲۲ درباره مالیات‌های سنگین به حاکم وقت شکایت بردند و حاکم وقت از ولیعهد عباس میرزا درخواست رسیدگی کرد. در نتیجه یک خراج‌گذار مالیاتی جدید از تبریز فرستاده شد.^{۴۹} در سال ۱۸۱۷ شخص جمع‌آوری‌کننده مالیات توسط عباس میرزا به اورمیه فرستاده شد، آن شخص در سیاست‌های محلی مداخله کرد و زمانی که حسین قلی خان با فتح‌علی شاه در سلطانیه ملاقات کرد، از او درخواست برکناری وی را نمود.^{۵۰}

افشارها در سال‌های ۲۴-۱۸۲۳، حکومت را از دست دادند و پس از آن فرماندار تبریز یا به وسیله ولیعهد و یا از تهران به وسیله شاه فرستاده می‌شد. با وجود این، افشارها هنوز نفوذ قابل توجهی در سیاست‌های محلی داشتند. برای مثال، مادر اولین حاکم ملک قاسم میرزا، از تبریز بود. او از طایفه اصلی قاسملو بود که از گروه‌های فرعی افشارها به حساب می‌آمد. در مدت حکومت ملک قاسم، پسر دایی او، نجف قلی خان بگلر بیگی، با مسائل سیاسی به طور جدی سروکار داشت.^{۵۱} افشارها در طول حکومت جهانگیر میرزا، در دومین دوره از حکومت ملک قاسم میرزا، اکبر میرزا و ملک منصور میرزا به طور مشابه درگیر سیاست‌های محلی بودند.^{۵۲}

به علاوه بعضی از حاکمان به خاطر نفوذ افشارها دوباره گماشته شده بودند. برای مثال، ابراهیم خان سردار در سال ۱۸۴۴ به فرمانداری اورمیه منصوب شده بود؛ او بعد از پرداخت مبلغ ده هزار تومان به فرماندار کل آذربایجان مالیات‌های سنگینی جمع‌آوری کرد که این امر سبب شد افشارها، قبایل کرد را وادار به شورش کنند و این موضوع منجر به منصوب شدن دوباره ابراهیم خان شد.^{۵۳}

حاکمان دیگر مثل ملک قاسم میرزا (دومین دور حکومت)، محمدشریف خان، و همچنین سلطان احمد میرزا در نتیجه برخورد با افشارها دوباره منصوب شدند.^{۵۴}

حال ببینیم چطور افشارها بعد از دست دادن حکومتی که آن را برای دو بیست سال نگه داشته بودند، باز هم حق اظهار نظر در سیاست‌های

محلی را داشتند؟ به خاطر جمعیت زیادشان و به واسطه ارتباطی که با قبایل کرد محلی داشتند، آنها هنوز ستونی قوی از قدرت محسوب می‌شدند، علی‌رغم اینکه موقعیت‌های محلی خودشان را به تدریج از دست دادند. اما آنها از راه دیگری به عنوان اعضای ارتش مدرنیزه ایرانی با حکومت مرکزی ارتباط برقرار کردند.

اولین نمونه، اصغرخان ایمانلو، در سال‌های ۱-۱۷۹۰ به ارتش قاجار ملحق شد و در لشکرکشی کرمان و لشکرکشی گرجستان همراه آقا محمدخان شرکت کرد.^{۵۵} او همچنین شجاعانه در جنگ‌های ایران و روسیه به عنوان فرمانده سواره نظام افشار جنگید و در مدت حکومت فتحعلی شاه به عنوان نماینده در دربار ناپلئون فرانسه منصوب شده بود.^{۵۶} او در طی مدتی که این سمت را داشت چندین بار نزد شاه برای حاکمان افشار وساطت کرده بود.^{۵۷}

اصلاح ارتش از سوی عباس میرزا که در سال ۱۸۰۷ آغاز شده بود به ارتباط بیشتر افشارها با حکومت مرکزی کمک کرد. در این اصلاحات دو هنگ پیاده نظام افشار (فوج هفتم و هشتم افشار) به وجود آمد و به وسیله فرماندهان آنها سازمان یافت. هنگ دیگر (فوج جدید افشار) در طی نیمه دوم قرن ۱۹ تشکیل شد. ما تعدادی از فرماندهان افشار را در میان سرهنگ‌ها و سرتیپ‌های این هنگ می‌بینیم.

علی قلی خان قاسملو که شغل او در ابتدا به عنوان یک افسر در هنگ افشار بود و در جنگ‌های ایران و روسیه و هرات خدمت کرد و به تدریج ارتقاء درجه پیدا کرد و سرانجام به مقام آجودان‌باشی (دستیار فرمانده) یعنی دومین نفر در دستور دادن به کل ارتش ایران نائل آمد.^{۵۸} مثال دیگر، یوسف خان که به عنوان حاکم در سال ۱۸۶۹ منصوب و گماشته شد بر طبق تاریخ افشار در ابتدا سمت سرهنگی و سپس سمت سرتیپی را در هنگ افشارها به دست آورد.^{۵۹} افشارها به پرورش افسرهای ارتش حداقل تا جنگ جهانی اول ادامه دادند و این خود کمک به ادامه نفوذ سیاسی آنها در اورمیه می‌کرد.^{۶۰}

۲. جامعه محلی:

در گزارش سفر اروپایی‌ها، تا اندازه‌ای به دیدگاهی متفاوت نسبت به افشارها دست می‌یابیم. در ابتدا، آنها نشان دادند که تا واسط

منبع اصلی تحقیقات موجود، تاریخ افشار است
 که در حدود سال‌های ۶۹-۱۲۸۵/۱۸۶۸ توسط «میرزا رشید ادیب الشعرا»
 به دستور حاکم اورمیه، یوسف خان شجاع‌الدوله
 که هر دو افشار بودند، نوشته شده است

جدول شماره ۴: جمعیت اورمیه و افشارها:

منابع	شهر اورمیه	ایالت اورمیه	افشارهای اورمیه
تاریخ افشار (زمان مهاجرت)	—	—	۸۰۰۰ خانواده
اولیا چلبی (۱۶۵۵)	۶۰۰۰ خانه	۳۱۰۰۰۰ جمعیت، ۱۵۰ روستا	—
اصفهان‌نی (اوایل قرن ۱۹)	۶۰۰۰ خانه	—	—
کینی رار (۱۸۱۳)	۱۲۰۰۰ جمعیت	—	—
Dupre (۱۸۱۹)	—	—	۲۵۰۰۰ جمعیت
شیروانی ۱۸۳۲	۵۰۰۰ خانه	—	—
راگنر (۱۸۵۶)	۳۰۰۰۰ جمعیت	—	—
شیل (۱۸۵۶)	—	—	۷۰۰۰ خانه
ابوت (۱۸۶۴)	۳۰۰۰۰ جمعیت	۵۳۶ روستا	—
کرزون (۱۸۹۲)	۳۰۰۰۰ - ۴۰۰۰۰ جمعیت	۴۰۰۳۰۰ جمعیت	—

منابع:

عبدالرزاق اصفهان‌نی: احوال اشنویه و اورمیه، تصحیح ۱۸۹۶ (1896) 3-133 M. Kinneir phil. his. Sitzungsberichte der J. M. Von Ritten.
 لندن ۱۸۱۳، تجدید چاپ: نیویورک ۱۹۷۴، A Geographical Memoir of the Persian Empire زین‌العابدین شیروانی: بستان‌السیاحه، تهران.

جدول شماره ۵: جمعیت گروه‌های قبیله‌ای و شهرها در ابتدای قرن ۱۹:

گروه‌های قبیله‌ای (Dupre)		شهرها (Kinneir)	
اورمیه افشارها	۲۵۰۰۰	اورمیه	۱۲۰۰۰
مقدم‌ها	۵۰۰۰	مراغه	۱۵۰۰۰
دُنبل‌ها	۱۲۰۰۰	خوی	۲۵۰۰۰
شقای‌ها	کمتر از ۲۵۰۰۰	نبریز	۳۰۰۰۰
جوانشیر	۶۰۰۰ - ۸۰۰۰	سلماس	۲۰۰۰۰
شسوان	۸۰۰۰		
مکری	۱۲۰۰۰ - ۱۵۰۰۰		

اصلاح ارتش

از سوی عباس میرزا

که در سال ۱۸۰۷

آغاز شده بود، به ارتباط بیشتر

افشارها با حکومت مرکزی کمک کرد. در این اصلاحات

دو هنگ پیاده نظام افشار

(فوج هفتم و هشتم)،

به وجود آمد و به وسیله

فرماندهان سازمان یافت. هنگ

دیگر (فوج جدید افشار)، طی

نیمه دوم قرن ۱۹ تشکیل شد

قرن ۱۹ در خانه‌ها ساکن و زندگی می‌کردند. شل رقی در حدود ۷۰۰۰ خانه را برآورد کرده، که این رقم بدون شمارش چادرها و قبایل غیر مهاجر است.^{۶۱} طبق مطالب واگنر، در کوه‌های غرب اورمیه تعدادی روستای فقیرنشین وجود دارد.^{۶۲} کای‌ابوت که در سال ۱۸۶۴ از اورمیه دیدن کرده است این طور گزارش داده است که افشارهای اورمیه در مسکن‌های ثابت اقامت داشتند و فرماندهان آنها ملاکان بزرگی بودند اما به خاطر ظلم و بیدادشان علیه مسلمانان و رعایای مسیحی بدنام باقی ماندند.^{۶۳} از زمانی که افشارها به عنوان یک گروه قبیله‌ای شناخته شدند در ایالت امروزی دیگر دیده نمی‌شدند، اینطور به نظر می‌رسد که احتمالاً آنها تا اواسط قرن ۱۹ شیوه زندگی چادرنشین و آداب و رسوم قبیله‌ای مربوط به آن را کنار گذاشتند.

این امر که بتوانیم نسبت افشارها را به جمعیت کل شهر اورمیه تخمین بزنیم، تا حدودی مشکل است. برطبق منابع فارسی که در اوایل قرن ۱۹ نوشته شده است، افشارها شهر اورمیه را اشغال کرده بودند.^{۶۴}

لرد گرزون در سال ۱۸۹۰ نوشته است که افشارها اکثریت جمعیت را تشکیل داده‌اند.^{۶۵} برعکس، واگنر و جکسون معتقدند که بیشتر جمعیت فارس بودند.^{۶۶} همانطور که خاطرنشان شد تعدادی از افشارهای اورمیه از افراد تحصیلکرده بودند که در دولت محلی مشغول خدمت و در شهر زندگی می‌کردند، بنابراین این، کاملاً طبیعی است که مسافران غربی نمی‌توانستند آنها را از فارس‌ها تشخیص دهند. با این وجود ما می‌توانیم قبایل افشار را در اوایل این قرن پیدا کنیم. فریزر ذکر کرده است که خیابان‌های اورمیه اغلب صحنه نزاع خونین بوده است و بیشتر زمان‌ها نیزه‌داران کرد حضور داشته‌اند و بارها با افشارها زد و خورد پیدا می‌کرده‌اند.^{۶۷} به نقل از شل:

«شقایق قبیله‌ای وحشی نامیده شده است، اما افشارهای اورمیه ده برابر وحشی‌تر و یاغی‌تر از این ترکها هستند، وقتی عملیات گروهی آنها تمام می‌شود به نظر می‌رسد که خودشان را برای جنگ وقف کرده‌اند، و انگار که آنها هرگز بدون داد و فریاد زدن نجنبیده‌اند. از همه شهر، یا حداقل بخشی که آنها بودند صدای نزاع و بیشتر فحش‌های شرم‌آوری که به یکدیگر می‌دادند، منعکس می‌شد. قومه همیشه آماده ایشان که خنجری ترسناک بود همواره برای حمله، به پهلوی آنها بود، تا با یک کلام و یک صدا آن را بیرون بکشند... از دیگر کارهای آنان در روز روشن دزدی و کش رفتن در بازارهای پهن و عریض بود؛ گوشت، سبزیجات و خوردنی‌های دیگر از چنگ آنها در امان نبود، اما مافوق همه یک کلاه‌پوست بره مرعوب بود که جذابیت غیرقابل مقاومتی در چشمهای آنها ایجاد می‌کرد و دزدی معمولاً با اولین ضربه به مالکی که قصد تاراج اموال او را داشتند، انجام می‌شود.^{۶۸}

هولیکانز، آجامر، آباش، الوات، جهال را که در تاریخ افشار هم آمده، نام برده است، برای مثال: «جهال و الوات افشار». آنها در برخوردهای حیدری نعمتی که در شهر رخ می‌داد، در بیرون انداختن جمع‌آوری کننده‌های مالیات یا حاکمانی که مورد علاقه مردم نبودند و توسط فرماندهان افشار و علما تحریک شده بودند نقش اصلی را

ایفا می‌کردند. برای فرماندهان افشار و علما این ارادل‌گیری‌ها ابزاری برای خشونت شده بود که هر موقع لازم بود از آن استفاده می‌شد.

نتیجه

شخصیت قبیله‌ای افشارها در تمام این سه قرن تغییر کرده است. در ابتدا آنها یکی از قبایل قزلباش بودند که مجبور به مهاجرت به نواحی هم‌مرز عثمانی‌ها شدند و این امر به منظور دفاع از آن نواحی و آرام کردن قبایل کرد انجام گرفت. سپس، در طی قرن ۱۸، علاقه آنها از دفاع مرزها به سوی فرمانروایی ایالت اورمیه تغییر یافت. آنها جنگ‌های غیرنظامی را پشت سر گذاشتند که این امر منجر به فروپاشی دولت صفویه شد و این کار را با نیروی قبیله‌ای خودشان و همدستی دوستان جدیدشان یعنی قبایل کردی که نزدیک اورمیه زندگی می‌کردند، انجام دادند. در این دوره، افشارها آمدند تا نه تنها مناصب نظامی بلکه مشاغل مذهبی و غیرنظامی از قبیل وکیل، مستوفی و امام جماعت را هم عهده‌دار شوند و به نسل‌های بعد از خود هم اختصاص دهند.

سرانجام در طی قرن نوزدهم، آنها اداره حکومت بر ایالت را از دست دادند اما راه دیگری برای دست‌یابی به قدرت پیدا کردند: آن هم ایجاد شغل‌هایی در ارتش مدرنیزه قاجار ایران بود. تا اواسط قرن ۱۹، گزارش سفر غربی‌ها نمایی از ساختار وجودی افشارها را نشان می‌دهد که هم به عنوان کشاورزان در روستاها ساکن شده بودند هم به عنوان ارادل و ولگردها در شهر اورمیه بودند.

افشارهای اورمیه تنها یکی از وضعیت‌های اتفاق افتاده برای قزلباش را نمایش دادند. قطعاً نمونه‌های دیگری هم وجود دارد. نسل ذوالقدر قزلباش که در ابتدای دوره صفویه بر نواحی جنوبی ایران حکومت کردند، تا اواخر قرن ۱۹ به عنوان فرمانروایان چهارم در استان فارس، تعیین شده بودند.^{۶۹}

همچنین در استان فارس فرمانروایی کازرون برای بیش از ۲۵ سال در تملک افشارها بود. اگرچه شخص فرمانداران تمایل داشتند فقط به نام جهرمی یا کازرونی شناخته شوند و تا قرن

افشارها به پرورش افسرهای ارتش، حداقل تا جنگ جهانی اول ادامه دادند و این خود کمک به ادامه نفوذ سیاسی آنها در اورمیه کرد

جدول شماره ۶: اسامی دفتردارها در اورمیه

تاریخ	۱۱۵۸/۱۷۴۵-۶	۱۱۷۶/۱۷۶۳	۱۱۸۶/۱۷۶۸-۹
فرماندار	فتح علی خان آرشلو	رستم خان قاسملو	امام قلی خان قاسملو
وکیل	میرزا جعفر ایمانلو	میرزا جعفر ایمانلو	میرزا ابوالحسن ایمانلو
نظیر	میران بیگ محمود لو	—	علیرضا خان قاسملو
لشکرنویس	—	—	میرزا محمد حسن استاجلو
مستوفی	میرزا جواد استاجلو	میرزا جواد استاجلو میرزا کبیر استاجلو میرزا ظهیر استاجلو میرزا بابا استاجلو میرزا مصطفی سعیدلو	میرزا کلب حسین استاجلو میرزا کبیر استاجلو میرزا ظهیر استاجلو
ایشیک آقاسی	—	—	سرمست بیگ احمدوند
امیرآخور	—	—	اصغرآقا ایمانلو
دیوان بیگی	—	—	ابراهیم خان آراشلو
شیخ الاسلام	—	آقا میرحسن*	—
امام جماعت	—	قاضی موسی الرضا افشار	—

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ	۱۱۹۸/۱۷۸۴	۱۲۱۲/۱۷۹۸	۱۲۳۶/۱۸۲۰-۱
حاکم	محمدقلی خان قاسملو	حسین قلی خان قاسملو	نجف قلی خان قاسملو
وکیل	میرزا محمدحسن ایمانلو	میرزا محمدنبی ایمانلو	میرزا عبدالله ایمانلو
نظیر	افراسیاب سلطان زرزا	میرزا محمدحسن سعیدلو	اسماعیل بیگ خلیج
مستوفی	میرزا مصطفی سعیدلو	میرزا مصطفی سعیدلو	—
سررشته دار	—	میرزا رفیع استاجلو میرزا صالح استاجلو	حاجی میرزا محمد شریف*
کلاتر	—	—	میرزا محمدسعید*
ایشیک آقاسی	اصغرخان ایمانلو	خان بابا بیگ قاسملو	کلب رضا خان قاسملو
قوری ساوول باشی	—	—	سلیمان بیگ مکری*
شیخ الاسلام	—	سید میر وحید آقا*	—
امام جماعت	میرزا محمدحسین افشار	میرزا محمدحسین افشار	—
امور شرعی	آخوند ملاصفر* ملامحمد افشار، میرزا علی افشار	—	—

* غیرافشار

منابع: تاریخ افشار ۹۲، ۱۵۹، ۱۸۰، ۲۲۳، ۲۲۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۳۸۱ - ۳۸۰ میرزا قورلو آرشلو ملباشی

افشارهای اورمیه، تنها یکی از وضعیت‌های اتفاق افتاده برای قزلباش را نمایش دادند. قطعا نمونه‌های دیگری هم وجود دارد. نسل ذوالقدر (الغدیر) قزلباش که در ابتدای دوره صفویه بر نواحی جنوبی ایران، حکومت کردند تا اواخر قرن ۱۹، به عنوان فرمانروایان چهارم در استان فارس تعیین شده بودند

۱۹ اسامی قبیله‌ای خودشان را کنار گذاشتند. هیچ یک از گروه‌های قبیله‌ای قزلباش، مثل مقدم‌ها در مراغه فرمانروایی را از زمان صفویه تا اواخر قرن ۱۹ در دست نداشتند.^{۳۲}

افشارها مثل بسیاری از گروه‌های قبیله‌ای دیگر، خودشان را وارد بخش‌های ضروری طرح نوسازی ارتش قاجار کردند که این کار با شکل گرفتن هنگ‌های قبیله‌ای صورت گرفت.^{۳۳}

افشارها به هیچ‌وجه یک مورد استثنایی نبودند.

با تغییراتی که در افشارهای اورمیه رخ داد مسلم است، ما مجبوریم مسائلی را دوباره بررسی کنیم. برای مثال مسائلی که چگونگی روند تکاملی این قباایل را در تمام این مدت نشان داده است. اینطور به نظر نمی‌رسد که فقط شغل یا خط سیرهای اجتماعی توسط اخلاف گروه‌های قبیله‌ای قزلباش دنبال شده است. در سرگذشت افشارها بعضی‌ها آمدند تا نخبگان محلی را به عنوان صاحب‌منصبان ایالتی و علما به علاوه یک برگزیده ملی را به عنوان صاحب‌منصبان نظامی

پرورش دهند. افراد دیگر کشاورز شدند و در همان موقعیت باقی ماندند در حالی که هنوز عده‌ای دیگر همچون کارگران شهری که محروم از حقوق سیاسی و اجتماعی بودند، به خاطر آورده می‌شدند.

مدارک ارائه شده در اینجا اشاره بر این دارد که هر نوع «تجدید حیات زندگی ایلانی» در ایران قرن ۱۸ تا حدودی مشکل‌ساز است. به عقیده من، ممکن است اینطور بهتر باشد که طبقه فوقانی اجتماعی گروه‌های قبیله‌ای مثل افشارهای اورمیه به عنوان حاکمان برگزیده محلی از نظر گذرانده شوند تا فقط به عنوان گروه‌های قبیله‌ای در نظر گرفته شوند.^{۳۵} در صورتیکه طبقات پائین‌تر ممکن است از روش زندگی چادرنشینی یا نیمه چادرنشینی به کشاورزی و یا زندگی شهری به عنوان کارگران تغییر روش دهند، لذا طبقه فوقانی نه تنها به سوی موقعیت‌های سیاسی فوق‌العاده در قرن ۱۸ روی آوردند، بلکه تحت یک دولت مرکزیت یافته به شکل امروزی درآمد و در قرن ۱۹ بطور موفقیت‌آمیز قدرت محلی خود را حفظ کردند.

پی‌نوشت‌ها:

* این مقاله ترجمه‌ای است از

Qizilbash After wards The Afshars in urmiya
From the seventeenth to the Nineteenth Century:
Iranian Studies, ۷۳۳, ۱۴, Summer ۱۹۹۹, p
۵۳۷-۵۵۶.

** Nabuaki Kondo عضو هیئت علمی دانشگاه
دانشگاه مطالعات خارجی در توکیو است.

Safavi Devletin Kurulusu Ve
Gelismesinde Anadolu Turklerin Rolu:
J. Reid, Tribalism and Society in
Islamic Iran, ۱۵۰۰-۱۶۲۹ (۱۹۸۳), Malibu: M.
Haneda, Le chah et les Qizilbas (۱۹۷۷), H.
R. Roemer The Qizilbash turcomans: Founders
and victims of saffavid theocracy: V. B. Moreen,
M. M. Mazzaoui Intellectual studies on Islam (salt
lake city), ۱۹۹۰ و صفحات ۲۷-۳۹.

۲. به کتاب 'The waning of The Qizilbash'
نوشته کاترین بابائیان رجوع شود. (رساله دکترای از

دانشگاه پرینستون ۱۹۹۳)

۲. A. K. S. lambton, Tribal Resurgence and
the Decline of the Bureaucracy in the Eighteenth
Century,

in T. Naff, R. Owen, eds, studies in Eighteenth

-century Islamic History (Carbondale and

Edwardville, ۱۹۷۷)

صفحات ۲۹۰-۱۰۸

R. Tapper, The Tribes in Eighteenth - and

Nineteenth - Century Iran, in P. Avery, G.

Hambly, and C. melville, eds., The Cambridge

History of Iran (Cambridge, ۱۹۹۱), Vol. ۷. ۵۱۳.

Reid خاطرنشان کرد که روش قبیله‌ای بعد از

جنگ‌های غیرنظامی ۱۸۵۰ و ۱۵۹۰ بطور کلی

بصورت معلول درآمد. اما او اینطور تشخیص داده

است که در میان عوامل متعددی که برای بدست

آوردن قدرت در قرن ۱۸ رقابت می‌کردند قباایل قویتر

بودند رجوع شود به

The Qajar uymaq in the Safavid Period,

۱۵۰۰-۱۷۲۲ Iranian studies II (۱۹۷۸): ۱۳۶-۲۷.

۳. M. Kunke در کتابش هیچ بحثی از مشکلات

نکرده است.

(Nomadenstamme in Persien im ۱۸. und ۱۹.

Jahrhundert [Berline, ۱۹۹۱]).

۵. برای مثال رجوع شود به

- P. Oberling, The Qashqai Nomads of Fars

(Hague, ۱۹۳۴)

- G. R. Garthwaite, khans and shaks: A

Documentary Analysis of the Bakhtiyari in Iran

(cambridge ۱۹۸۳),

- R. Tapper, Frontier Nomads of Iran: A

Political and Social History of the shahsevan

(Cambridge ۱۹۹۷).

B. Nikitine, 'Les Afsarsd' urmiyah', Journal . ۶

Asiatique ۲۱۴(۱۹۲۹): ۶۷-۱۲۳.

کتاب سرزمین زرتشت تألیف علی دهقان (تهران

۱۳۴۸ شمسی)، صفحات ۶۷ تا ۳۹۶.

۷. من از متنی استفاده می‌کنم که توسط محمود

رأمیان و پرویز شهریار افشار در رضائیه، ۱۳۴۶ شمسی،

تصحیح و چاپ شده است. علی دهقان به نسخه

خطی ترکی افشار اشاره دارد، اما متنی که او از آن

اتخاذ سند کرده است با ترجمه چاپ شده فرق دارد.

رجوع شود به کتاب سرزمین زرتشت علی دهقان صفحه ۳۵۸، و تاریخ افشار ۶-۵۱۲۰۴.

Nikitine همچنین به نسخه‌های خطی مربوط به تاریخ افشارها اشاره کرده است، و اینها باید توسط پرویز خان شهاب‌الدوله (نوه برادر یوسف‌خان) در سال ۱۹۱۷، نوشته شده باشد، اما هرچه که او در کارهای خود ذکر کرده است تقریباً دقیقاً با متن چاپ شده به استثناء تاریخ مهاجرت افشارها به اورمیه مطابقت دارد. بنابراین من فرض می‌کنم که نوشته نیکیتین خیلی نزدیک به کارهای میرزا رشید است. متأسفانه، من قادر نیستم معین کنم و بنابراین نوشته‌های خودشان را مقایسه کنم.

۸. برای واژه‌های مربوط به گروه‌های قبیله‌ای رجوع شود به:

R. Tapper. 'Confederation, tribal', Encyclopaedia Iranica, Vol. ۶, ۱۲۵-۲۸.

۹. در میان شغل‌هایی که آنها از دست دادند: فرمانروایی کرمان (۱۵۹۲/۳)، شوشتر (۱۵۹۴) و کهگیلویه (۱۵۹۶/۷) بود. اسکندربیک منشی: تاریخ عالم‌آرای عباسی، به تصحیح ایرج افشار ۵۲۴-۵۰۰ و ۵۸-۴۵۷ [تهران، سال ۱۳۲۴ شمسی]؛ ملاجلال‌الدین منجم: تاریخ عباسی، به تصحیح سیف‌الله وحیدنیا، تهران، ۱۳۶۶ شمسی، ۲۹-۱۲۷). آخرین فورچی‌باشی افشار در سال ۱۵۹۱/۲ معاف شد. (Le chah, ۱۹۵) (M. Haneda,

۱۰. تاریخ افشار، صفحات ۴۸-۴۶.

۱۱. تاریخ عالم‌آرای عباسی، پیشین، صفحات ۷-۱۰۶، ۱۹-۱۰۱۸، ۱۰۳۵.

۱۲. تاریخ عباسی، پیشین، صفحات ۴۱۴، ۴۱۷. اگرچه نام این مکان به عنوان سه مره سه مردی‌اسد مزه، هم در چاپ تهران و هم در نسخه خطی موجود در کتابخانه انگلیسی (شماره ۲۷۲۴۱) وجود دارد، اما ظاهراً آن به سیمره محلی نزدیک همدان، نهاوند و خرم‌آباد اشاره دارد.

۱۳. در تاریخ عالم‌آرای عباسی، صفحه ۱۰۱۸، به گفته احمد کسروی، قاسم سلطان بعد از سقوط شهر به اورمیه مهاجرت کرد. اگرچه کسروی به منابع خودش اشاره نکرده است. Takash, Oberling, Koprulu هر سه با او موافق هستند. به سیداحمدآقا تبریزی (کسروی) رجوع شود.

۱۰۱. ۶۰۱ (۱۳۰۶ شمسی) 'li-i Afshar', Avandah ۲

F Koprulu, Islam Ansiklopedisi, 'Avsar' Ala alDin Takash, قاسم خان در راس ایل افشار، ارمغان، سال ۲۷ (۱۳۵۷)، ش ۵۴، ص ۲۶۲

۱۴. در فهرستی از قبایل که توسط Journatation داده شده است، بزرگترین مهاجرنشین افشارها در اورمیه بوده است یعنی ۲۵ هزار نفر که شامل ۲۸/۵ درصد از کل جمعیت ۸۸ هزار نفری را شامل می‌شود.

مهاجرنشین‌های بزرگ دیگر در خوزستان و خمسه هرکدام با ده هزار جمعیت بودند. رجوع شود به:

A. Dupre. Voyage en Perse Fait dans Les annees ۱۸۰۷. ۱۸۰۸ et ۱۸۰۹ (Paris, ۱۸۱۹), ۲. ۴۵۷.

۱۵. [میرزا اسمعیل] تذکره الملوک به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، سال ۱۳۶۸ شمسی، ۷۲.

۱۶. در همان صفحه ۷۳۹۰ تومان و ۳۷۴۷ دینار. همچنین به کتاب میرزا علی نقی نصیری، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، به تصحیح یوسف رحیملو، مشهد سال ۱۳۷۱ شمسی، ۱۰۵ رجوع شود زیرا که او به ۷۶۹۰ تومان و ۶۷۶۴ دینار اشاره دارد.

۱۷. J. R. Perry. 'Cossackization' می‌نامد. به همان نویسنده رجوع شود.

'Forced Migration in Iran during the Seventeenth and Eighteenth centuries', Iranian studies ۸ (۱۹۷۵): ۲۰۵.

۱۸. ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی، تصحیح حسن‌سادات ناصری، تهران، سال ۱۳۷۱ شمسی، ۳۵۳-۳۵۱؛ محمدطاهر وحیدقزوینی: عباس‌نامه، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک، سال ۱۳۲۹ شمسی، ۳۳۰، ۳۲۹، ۱۲۸، ۱۱۴ و ۱۸/۸ Tuprak Qalah

۱۹. تاریخ افشار. ۸۰/۴۹. حتی امروزه به صورت روستایی نزدیک اورمیه به جای مانده است. نک: کتاب فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور، مشهد، سال ۱۳۶۷ شمسی، ۱۵۱، نوشته محمدحسین پایلی یزدی.

۲۰. اولیا چلبی: سیاحتنامه، استانبول، A.H. ۱۳۱۴، ۹۵-۲۹۴. ۴. و مینورسکی نتوانست نام حاکم را در سیاحتنامه پیدا کند. از همان نویسنده: مدخل «اورمیه» در دائرةالمعارف اسلامی، ویرایش اول، جلد دهم، صفحات ۳۶-۳۲ رجوع شود.

۲۱. ۳۰۰-۲۹۹. ۴. و اولیاچلبی.

۲۲. در همان صفحه ۴۰۱.

۲۳. حسن قرخانی: «بقعة ایوب انصاری در تکاب... فرامین شاهان صفوی درباره موقوفات آن»، «بررسی‌های تاریخی»، سال ۹، شماره یک (سال ۱۳۵۳ شمسی) ۱۲۲-۷۳.

۲۴. همان، صفحه ۷۸.

۲۵. همان، صفحه ۸۸-۸۷.

۲۶. همان، صفحه ۹۵.

۲۷. همان، صفحه ۹۸. برطبق مدارک موجود. حاکم افشار فقط حق جمع‌آوری مالیات از یکی از ۵ روستای وقفی را داشت و حق اشغال آن را نداشت.

۲۸. اسماعیل آسیم کوکوک چلبی‌زاده: تاریخ رشید، استانبول، سال ۱۲۸۲، ۶، ۳۲۸. اف. زرین‌یاف شهر: کتاب Tabriz under ottoman Rule، صفحات ۳۰-۱۷۲۵ (رساله دکترا از دانشگاه شیکاگو، سال ۱۹۹۱)، ص ۲۶. با این وجود براساس تاریخ

افشارها در سال‌های ۲۴ - ۱۸۲۳، حکومت اورمیه را از دست دادند و پس از آن، فرماندار از تبریز، به وسیله ولیعهد یا از تهران به وسیله شاه فرستاده می‌شد. با وجود این، افشارها هنوز نفوذ قابل توجهی در سیاست‌های محلی داشتند

افشار، صفحات ۷۲-۷۰، محمدقاسم‌خان قاسملو افشار در برابر ارتش عثمانی مقاومت کرد و کشته شد.

۲۹. براساس منابع افشار، افشارهای خراسان در طول حکومت شاه اسماعیل اول (۲۴-۱۵۰۱) یا شاه عباس اول (۱۶۲۹-۱۵۸۷) از آذربایجان مهاجرت کردند. به عالم‌آرای نادری، تالیف محمدکاظم مروی، تصحیح محمدامین ریاحی، تهران، ۱۳۶۹ شمسی، ص ۴-۵ و جهانگشای نادری، نوشته میرزامهدی خان استرآبادی، تصحیح عبدالله انوار، تهران، سال ۱۳۴۱ شمسی، ص ۲۷-۲۶ رجوع شود.

۳۰. عالم‌آرای نادری، صفحات ۳۶-۳۵.

۳۱. تاریخ افشار صفحات ۸۷-۸۶. براساس تاریخ افشار فتح‌علی خان چارک‌باشی از افشارهای اورمیه بود و بعدها به فرمانروایی اورمیه منصوب شد، اما برطبق نوشته محمدکاظم چارک‌چی‌باشی از خراسان و باجنایق نادر بود (عالم‌آرای نادری، ص ۱۰۳۹)، بنابراین چنین به نظر می‌رسد که حاکم اورمیه، فتح‌علی خان دیگری باشد و شاید از گروه فرعی ارشلو باشد.

۳۲. جهانگشای نادری، صفحات ۲۵-۲۴. تاریخ

برخلاف تصور عامه، مبنی بر اینکه قبایل از دانش امروزی باخبر نیستند، بسیاری از افشارها که در شهر زندگی می کردند و در حکومت محلی مشغول به کار بودند، از تحصیلات عالی به توانمندی های مالی و مذهبی و دانش حقوقی برخوردار بودند

افشار، ۷۸. همچنین به تاریخ فرمان نادرشاه ۱۱۵۱/۱۷۳۸، علی کریمیان «بازخوانی چند فرمان از نادرشاه افشار» مجله گنجینه اسناد، شماره ۲۵/۲۶، سال ۱۳۷۶ شمسی، ۱۹۰۱۳ رجوع شود.

۳۳ - عالم آرای نادری، ص ۲۵۱.

۳۴ - تاریخ افشار، ص ۹۲.

۳۵ - ۲۶-۴۲ و جهانگشای نادری، عالم آرای نادری، ۱۱۲۵.

۳۶ - مهدی خان به زور، علی خان آرشلو، فرمانروای اورمیه را بیرون کرد و به عنوان فرماندار کل تبریز توسط ابراهیم خان منصوب شد. بعدها ابراهیم شاه به این سمت رسید. رجوع شود به تاریخ افشار، ۱۰۲-۹۳، عبدالرزاق بیگ دنبلی مفتون: تجربه الاحرار و تسلیة الابرار، تصحیح حسن قاضی طباطبائی، تبریز، سال ۱۳۴۹ شمسی، ص ۴۸۹؛ ابوالحسن ب محمد امین گلستانه: مجمل التواریخ، تصحیح مدرس رضوی، تهران، ۱۳۵۶، ص ۳۱. بعد از سقوط آزادخان افغان، فتح علی خان توسط مردم تبریز برای حکومت دعوت شد. او همچنین یک هیئت اعزامی ارتشی به منطقه قره باغ روانه ساخت. گلشن مراد، نوشته ابوالحسن

غفاری کشانی، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، سال ۱۳۶۹ شمسی، ۱۴۳ و ۱۲۱؛ تاریخ افشار ۱۳۸-۴۵، کتاب تاریخ قره باغ نوشته میرزا جمال جوانشیر، باکو، ۱۹۵۹، ص ۱۹-۱۸.

همچنین چنین بیان شده است که بعد از مرگ کریم خان زنده امام قلی خان، فرمانروای اورمیه، قدرتش را به تمام آذربایجان گسترش داد و مالیات هایی را از مراغه، خوی، سنندج، ساوجبلاغ (مهاباد کنونی) و تبریز جمع آوری کرد (تاریخ افشار، ۲۰۲).

۳۷ - فتح علی خان آرشلو بانفوذترین افسر ارتش آزادخان بود. آزادخان با یکی از دخترهای محمدقاسم خان قاسملو ازدواج کرد و برادرش را به عنوان نماینده حاکم اورمیه منصوب کرد.

۳۸ - تجربه الاحرار، نوشته عبدالرزاق بیگ ۸۵-۱۰۸۴، تاریخ افشار ۲۲۱-۲۲۰.

۳۹ - تاریخ افشار ۱۱۵-۹۵.

۴۰ - تکاش و ابرلینگ بر این عقیده اند که گروه فرعی قاسملو از قاسم سلطان بوجود آمده است. اما آنها هیچ مدرکی پیدا نکردند (تکاش، «قاسم خان»، ۲۶۲؛ ابرلینگ، «افشار»). تمام مدارک گواهِ بر این است که قاسم سلطان و پسرش کلب علی خان از گروه فرعی ایمانلو هستند و حداقل در تاریخ افشار گروه فرعی قاسملو در زمان مهاجرت وجود دارد.

۴۱ - کتاب Safevi Devletinin Kurulusu نوشته فاروق سومر، ۹۴-۱۹۲.

۴۲ - کتاب تاریخ نو، نوشته جهانگیر میرزا، تصحیح عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۸ شمسی، ص ۱۶۹.

۴۳ - تاریخ افشار، صفحه ۱۵۹.

۴۴ - تاریخ افشار، صفحه ۱۹۷.

۴۵ - مدرسی طباطبائی: نسب و احکام از خاندان افشاریه اورمیه، بررسی های تاریخی، سال هفتم جلد دوم، سال، ۱۳۵۱ شمسی، صفحات ۷۰-۱۵۲.

۴۶ - تاریخ افشار، صفحات ۱۶۸-۳۷۸.

۴۷ - تاریخ افشار، صفحات ۱۷۱، ۳۷۸، ۴۹۳، ۴۶۲.

۴۸ - تاریخ افشار، صفحات ۲۶۷، ۳۰.

۴۹ - تاریخ افشار، صفحه ۳۴۲.

۵۰ - تاریخ افشار، صفحات ۶۵-۳۶۴.

۵۱ - تاریخ افشار، صفحات ۹۳-۳۹۲. در رقمی از عباس میرزا که در زمان انتصاب ملک قاسم میرزا منتشر شده بود. شاهزاده، برادر پاک گوهر ملک قاسم میرزا با عشایر افشار به نسبت چون گوهر و صدف است، به کتاب منشآت قائم مقام فراهانی، به کوشش سید بدرالدین یغمائی، تهران، سال ۱۳۷۳ شمسی، صفحه ۱۲۳ رجوع شود.

۵۲ - نجف قلی خان هر روز به عنوان نماینده جهانگیر میرزا بر دیوان خانه ریاست می کرد (تاریخ افشار ۴۱۷). او همچنین، به عنوان نماینده ملک قاسم میرزا در دومین دور از حکومت او خدمت کرد. (تاریخ افشار

۴۲۹). پسرش جهانگیر خان نماینده ملک منصور میرزا بود (تاریخ افشار صفحه ۴۹۵). در زمان حکومت اکبر میرزا پست های مهم از جمله پیشکار و فراش باشی توسط افشارها اداره می شد (تاریخ افشار صفحه ۴۵۱).

۵۳ - جهانگیر میرزا، کتاب تاریخ نو، صفحه ۱۴۲. قیمت مکان های دیگر به ترتیب زیر است: مراغه ۱۰،۰۰۰، مرند ۱۵،۰۰۰، ساوجبلاغ ۱۵،۰۰۰ (تومان). این یکی از ابتدایی ترین نمونه های دفاتر فروش در زمان قاجار است.

۵۴ - همان کتاب، صفحه ۱۵۵، ۱۶۹. تاریخ افشار ۶-۴۱۴.

۵۵ - ملک قاسم میرزا در نتیجه یک دادخواست از طرف رئیسان افشار از فرمانداری کل آذربایجان مرخص شد. (تاریخ افشار صفحات ۴۳۱-۴۳۰). درخواست یوسف خان، محمدشریف خان را مجبور به ترک آن شغل کرد. (تاریخ افشار صفحات ۱-۴۵).

برکناری سلطان احمد میرزا توسط قیام لوطی ها که بوسیله افشارها و علما تحریک شده بودند، انجام شد. (تاریخ افشار، ص ۲۰-۵۱۳).

۵۶ - تاریخ افشار، صفحات ۲۵۹ و ۲۷۳ و ۲۷۸.

۵۷ - تاریخ افشار، صفحات ۳۲۴، ۳۵۰، ۳۵۲، عبدالرزاق مفتون دنبلی، کتاب مآثر سلطانی، به اهتمام غلامحسین صدری افشار، تهران، سال ۱۳۵۱، صفحات ۱۶۱، ۲۶۰، ۲۷۵، ۳۴۸، ۳۷۰، ۳۷۱. برای جزئیات بیشتر درباره مهاجرت او به فرانسه به کتاب یکصد و پنجاه سند تاریخی نوشته جهانگیر قائم مقامی، تهران سال ۱۳۴۷ شمسی، صفحات ۲۴-۱۱۱ رجوع شود.

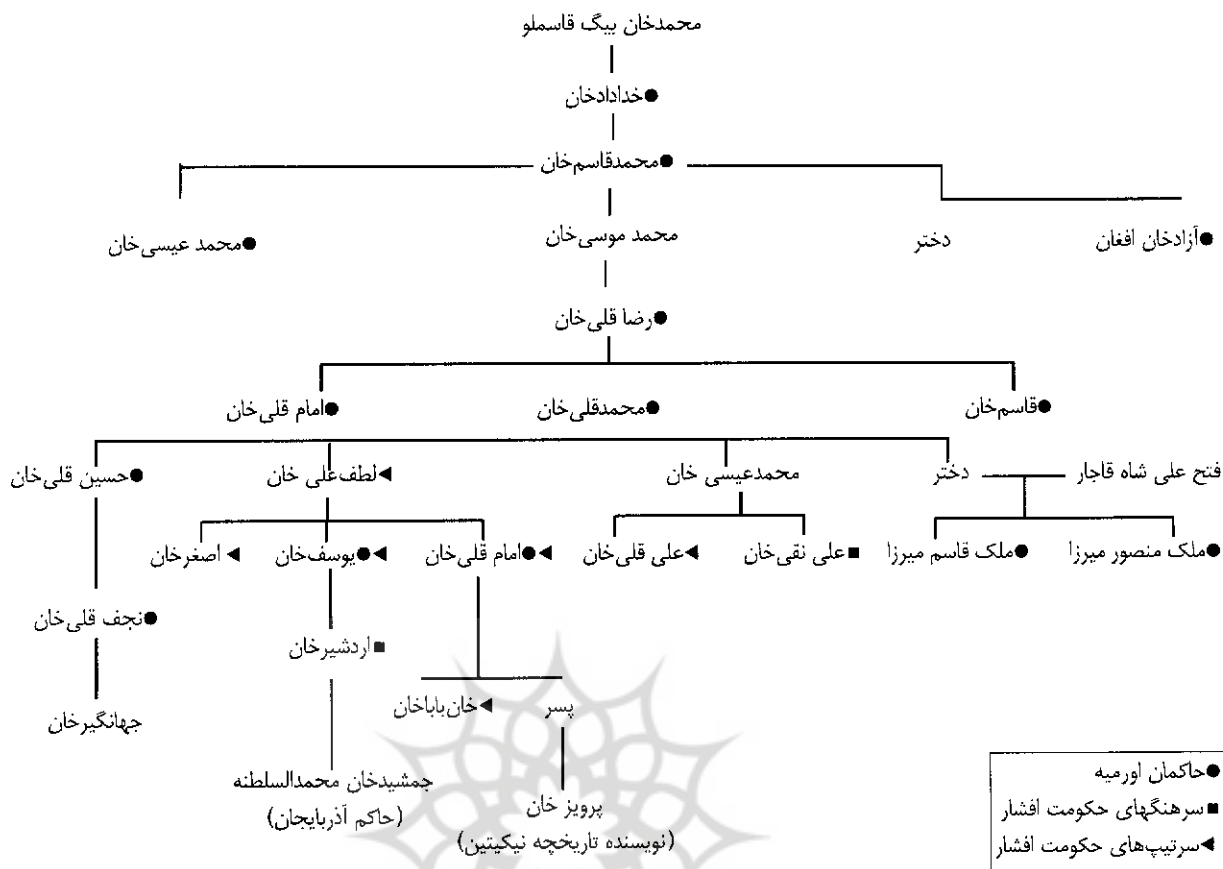
۵۸ - تاریخ افشار، صفحات ۲۵۹، ۲۸۱، ۳۰۲.

۵۹ - رضاقلی خان هدایت: روضه الصفای ناصری، تهران، سال ۱۳۳۹ شمسی، جلد دهم صفحات ۵۳۸، ۸۸-۷۸۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه: مرآت البلدان، تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، سال های ۸-۱۳۶۷ شمسی، صفحات ۱۲۲۵، ۱۲۹۳، ۱۵۳۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه: تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، سال های ۷-۱۳۶۳ شمسی، صفحه ۱۸۰۲. کتاب تاریخ افشار، صفحات ۳۹۸، ۴۳۳، ۴۳۶.

۶۰ - اعتمادالسلطنه: مرآت البلدان، پیشین، صفحات ۱۰۴۷، ۱۲۸۱، ۱۶۱۶، ۱۹۱۴. از همان نویسنده تاریخ منتظم ناصری، صفحه ۱۷۹۸. تاریخ افشار، صفحات ۱-۴۴۶، ۴۵۰-۴۵۷، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۹۹، ۵۰۴.

۶۱ - جمشیدخان قاسملو مجدالسلطنه فرماندار کل آذربایجان شد، و به عنوان یک افسر فرمانده در برابر ارتش عثمانی در زمان انقلاب مشروطیت و جنگ جهانی اول جنگید. عبدالصمدخان ایمانلو عظیم السلطنه که در هنگ افشارها خدمت می کرد حاکم اورمیه بود، و در زمان جنگ جهانی اول سعی

جدول شماره ۷: شجره‌نامه خاندان فرمانروایان افشارها در اورمیه:



میرزا سمیعا، صفحه ۷۲، القاب و مواجب، نوشته میرزا علی نقی صفحه ۱۰۶؛ مقاله 'Social Hierarchy in Provincial Iran: The Case of Qajar Maragheh' Iranian studies نوشته M. J. D. Good جلد دهم، ۱۹۷۷، صفحات ۶۳-۱۲۹ همان نویسنده کتاب 'The changing status and composition of Iranian Provincial Elite' به تصحیح N. Keddie M. Bonine and از همان نویسنده کتاب: 'Modern Iran: Dialect of Continuity and change' آلبانی، سال ۱۹۸۱، صفحات ۸۸-۲۶۹.

۷۴- فهرستی از هنگ‌های ارتش ایران در کتاب تاریخ منتظم ناصری، نوشته اعتمادالسلطنه، صفحات ۲۴-۵۱۲، ۴۸-۱۲۳۷، ۹۴-۲۰۸۱؛ اعتمادالسلطنه: 'المآثر والاثار، تصحیح ایرج افشار، تهران، ۱۳۶۳ شمسی، صفحات ۷۴-۳۶۷.

۷۵- برای مطالعه درباره سرگذشت نخیکان محلی دیگر به مقاله N. Kondo رجوع شود، محمدتقی خان و خانواده‌اش در یزد، تصاویری از سرشناسان محلی ایرانی در قرون ۱۸ و ۱۹ (زاین)، شیکاگو - راشی، ۱۰۲ (سال ۱۹۹۳)، صفحات ۳۶-۱.

۶۵- میرزا محمد مستوفی نویسنده کتاب آمار مالی و نظامی ایران در سال ۱۱۲۸ است که محمدتقی دانش‌پژوه در کتاب فرهنگ ایران زمین، جلد ۲۰، سال ۱۳۵۲ شمسی، چاپ کرد.

۶۶- G. N. Curzon نویسنده کتاب 'Persia and the Persian Question' لندن، سال ۱۸۹۲، تجدید چاپ: سال ۱۹۶۶، جلد اول، صفحه ۵۳۶.

۶۷- کتاب 'Travels in Persia, Past and Present' نوشته W. Wagner، صفحه ۲۳۴، نوشته Jackson A. V. W.، لندن، سال ۱۹۰۶، صفحات ۵-۱۰۴.

۶۸- J. B. Fraser نویسنده کتاب سفرهایی به کردستان، بین‌النهرین و جاهای دیگر، لندن، ۱۸۴۰، جلد دوم، صفحه ۵۷.

۶۹- Sheil نویسنده کتاب: 'Glimpses of Persia'، صفحات ۳۳۴-۳۵.

۷۰- تاریخ افشار، صفحات ۳۵۷، ۳۹۵، ۵۱۴.

۷۱- حاجی میرزا حسن حسینی فسایی: فارس‌نامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، سال ۱۳۶۷ شمسی، صفحات ۸۲-۱۲۷۹.

۷۲- همان کتاب، صفحات ۴۳-۱۴۴۰.

۷۳- تاریخ افشار، صفحه ۱۰۸۷، تذکره الملوک، نوشته

کرد قیام آشوری‌ها را سرکوب کند. (به کتاب سرزمین زرتشت، نوشته دهقان، صفحات ۲۴۸، ۲۵۰، ۴۱۷، ۵۲۷ رجوع شود. همچنین کتاب 'Les Afsars' نوشته نیکیتین، صفحات ۱۰۸-۱۰۷ و کتاب تاریخ رضاییه نوشته احمد کابویانپور، تهران، ۱۳۴۴ شمسی، صفحات ۸۷-۲۸۵).

۶۲- کتاب 'Glimpses of life and manners in Persia' (London, ۱۸۵۶) نوشته M. Shiel صفحه ۳۹۶.

۶۳- کتاب سفرهایی به پاریس، گرجستان و کردستان نوشته M. wagner (لندن، سال ۱۸۵۶)، جلد سوم صفحه ۲۴۲.

۶۴- K. E. Abbatt. 'Note on Azerbaijan' F. O. ۶۰/۲۸۶، ۱۹ April ۱۸۶۴. reprinted. in A. Amanat, ed. cities Trade: Consul Abbatt on the Economy and Society of Iran ۱۸۴۷-۱۸۶۶ (London, ۱۹۸۳)، ۲۳۰.

یک مجموعه مدارک به اهتمام مدرسی طباطبائی به چاپ رسیده که نشان می‌دهد یک خانواده ارمنی در روستایی که کلیسای سر نامیده می‌شود، زندگی می‌کردند که این روستا را علمای افشار در سالهای ۳-۱۸۵۲-۱۲۶۹ مالک شدند. (مدرسی طباطبائی، «اسناد و احکام»، ۱۶۹).